

زاده عزیز سلام امیدوارم حالات جسم و روحیت خوب و شرفی در ارباب شوقی و معرفت گذرانید با سلام است از این نیت است که به  
 تا هرگاه گذشته در سفر می و من هجر کرده که مرحمت به بدن حتم باشد که این نامه را در دست کفر از احوال ما بخوانی که در این دست خرم  
 با گذشته است از سینه ز روحیت کس خواهد شد در پناه هر روز و لایق نگاه و نیم قهر فرزند سوخته که دلای فرزند در راه  
 مرض انگلی در می که یک مرض پوستی و لاعلاج است در گذشت و نگاه قهر از روشن عن فرزند او که من ایسان سرور علاقه است عانه  
 امکان شد و نقد در یکی از شهرهای شمال فرانکفورت در این باره روزی مشول قهر زبان است و تنها در حین گفتار که ۱۲ سال است  
 در راه مدرسه میرود مصیبتی برگه من و خانواده؟ و بسته در همان خود را بر این است در روک او ایثار کرده ام که یکی  
 چه تا آنجا را برت منویم که به بنزد دنیا با ما چه کرده است. فریب می کمال قهر کارش را را کرده است که من نمیکنم جایش را  
 برت نوشتم و ایثار کردیم بر آن سروده بعد اینها پیش آمد که بعد از دیگر مراجعت برین نه خانواده را از این است  
 چه می کرد نقد بقدر ناراحتیم که حد و هجر فرزند منویم خبر شایف با برت برت بودیم و چون در آنجا در این میدان اگر  
 غم و اندوه را بر او نوشتم بر آن که شرح دهم در هر حال این چه سرگذشت ما و نقد در حال تصحیح کمر میسج که اگر نه ماند  
 و شکی در رو بطا ابر و کس؟ اردیاب از نظر و زاد است غیر حاصل سعادت کلی در هر کس با هم با علاقه را اعلی کنیم  
 در این صانع با بر جانی فرامی کنیم که سالها جدا از این همکنه را با هم تا چه چیز است این نیت صانع است که بپند  
 مرحمت کسر و مکاتبه ما ادامه پیدا کند بحال من چهار عواض مرض دیابت و زردی انولین است و با امر ضرر مختلف منویم  
 مسانده. منویم هم سه سوخت بر آن است که در این در از من نگرفت که اظهار با طوع کرده چون خبر منویم دمی از  
 فکر و عقل نبوده ام و نا در حقی که آرا با خط رسن است و گفتن و مطالعه کتف مسیح و کوسر منویم است و این قهر او را  
 بر کند نهان و بی مهربانی ادامه دارد و نمیر از روز؟ را در کس نبودش مجاور منزل مسکنه نام و اگر آبا ابر علی است و مسکنه

